

حاج آقا نورالله و دفاع از میراث فرهنگی

نداشت. و برای اجرای مقاصد خودش متوسل به دو شیوه می‌گردید: یکی آنکه آثار باستانی را به قیمت ارزان به نزدیکان و کسانی که مورد اعتماد بودند، می‌فروخت. و آنها هم دور از چشم مردم آنجا را تخریب می‌کردند. البته شرط تخریب را قبل از فروش حتماً ذکر می‌کرد. دومین شیوه‌ای که در تخریب به کار می‌برد، این بود که بر روی نقش‌های زیبا و طلاکاری‌های نقاشی شده را گچ می‌کشید، تا آنها به مرور زمان از بین برود. در مورد خراب کردن عمارت آئینه‌خانه مرحوم جاوید نقل کرد که او به شیوه اول متوسل شده و این عمارت زیبا و تاریخی را به دایمی خودش حاج علیرضاخان فروخت. البته این شخص با آقایان مسجدشاهی هم اختلافاتی داشت و از طرفی از آنها هم می‌ترسید. مرحوم جاوید نقل می‌کرد در یکی از شبها در سکوت شب ناگهان صدای مهیب و وحشتناکی مانند انفجاری عظیم تمامی شهر اصفهان را لرزاند. و بعداً معلوم شد که این صدا در اثر تخریب عمارت آئینه‌خانه بوده، که دایمی و مأمور اجرای ظل‌السلطان نجارها را برده و آن قسمتهای عمده و جاهای بخصوص از ستونهای اصلی را بریده و فقط از هر ستون مقداری را باقی گذاشته و نهایتاً دفعتاً تمام ساختمان را خراب و ویران نموده‌اند. البته از دیگر آثاری که ظل‌السلطان در تخریب آن نقش عمده داشت همین چهارباغ فعلی بود که متشکل از چندین باغ بزرگ و عالی بوده است، مثل باغ طاوس خانه، باغ شمس آباد، باغ فتح آباد، باغ بهشت آیین و غیره که اینها هر کدام یک سردرهای عظیم و زیبایی داشته‌اند. در وسط هر کدام از این باغها هم عمارت زیبایی بوده است که شاهزاده قسمتهای عمده این عمارت و سردرهای را خراب و نابود ساخت. و این تخریبها و

هرچند مبارزات سیاسی و اجتماعی حاج آقا نورالله علیه تعدیات ظل‌السلطان خود داستان بلندی دارد: ولی آنچه در این قسمت ذکر می‌کنیم، ماجرای حفظ میراث باستانی است، که حاج آقا نورالله را در مقابل تجاوزات فرهنگی و هنری شاهزاده قرار می‌دهد.

در رابطه با آثار باستانی و بناهای تاریخی شهر اصفهان از جمله مطلعترین محققین و دانشمندان می‌توان از استاد محمد مهربار نام برد که سالیان دراز در این زمینه تحقیق و کاوش انجام داده‌اند. در رابطه با موضوع این قسمت که مربوط به نقش ظل‌السلطان در تخریب بسیاری از ذخایر فرهنگی و هنری و مقاومت و جلوگیری‌هایی که مرحوم حاج آقا نورالله توانست انجام دهد، مطالبی را ذکر نموده‌اند، که به قسمتهایی از آن به طور اجمال اشاره می‌شود:

«من بسیاری از این مطالب را از روی اسناد زنده‌ای که خود توانستم درک کنم، نقل می‌نمایم. کسانی که شاهد و ناظر بسیاری از این خیانت‌هایی که شاهزاده ظل‌السلطان انجام داده، بوده‌اند. در بین این اشخاص که مطلع و خود شاهد وقایع بوده، می‌توانم مرحوم میرزا ابوالقاسم خان جاوید را نام ببرم که نقلها و جریانات زیادی را خدمت دانشمند و محقق بزرگ علامه محمدباقر الفت نقل می‌فرمود و من نیز آنجا حضور داشتم. از جمله از نقلهای ایشان است که از آثاری که ظل‌السلطان در تخریب آن اقدام داشت، تالار و عمارت آئینه‌خانه بود. این اثر زیبا بسیار شبیه به چهل‌ستون بوده است، منتها با این تفاوت که در قسمتهای مهم آن آئینه بکار رفته بود و ظل‌السلطان تصمیم به خرابی این اثر می‌گیرد. به طور کلی ظل‌السلطان از ترس آقایان مسجدشاهی و مردم به طور علنی جرأت تخریب

روح آزاده

به طور اجمال از نطقها، مکتوبات و اعلامیه‌های حاج آقا نورالله معلوم می‌گردد که از آراء بسیاری از متفکرین و رگه‌های فکری دوران خویش آگاهی داشته است. احتمالاً او از طریق مطبوعات مصر و شام و سایر بلاد عربی و نیز کتب منتشره عربی و فرصتهایی که حوالی سالهای ۱۳۰۰ یا به هنگام هجرت سالهای ۳۲ - ۱۳۲۹ و ۳۶ - ۱۳۳۵ قمری در عتبات برای مطالعات وسیع داشته، از این جریانهای فکری آگاه شده است و یک نوع وسعت نظر پیدا نموده که آن را از اقدامات بعدی او (گسترش شعب شرکت اسلامیة در بلاد اروپایی و عربی و همسایگان ایران و گزارشهای روزنامه‌های آن بلاد از اوضاع ایران و اندیشه‌ی صدور کالا به خارج که نیاز به بررسی جامع فرهنگی - اقتصادی از آن کشورها دارد) می‌توان دریافت.

موریس پرنو، مستشرق فرانسوی، در دیداری که با حاج آقا نورالله داشته، او را چنین توصیف می‌کند.

«او، غرب را می‌شناخت، بی‌آنکه آن را به دیده ستایش بنگرد. مقصود من از ملاقات او این بود که نحوه طرز فکر یک روح آزاده و کنجکاو در قبال عقاید و آداب مذهبی شرق اطلاع یابم. حاج آقا نورالله گفت: ... جوانان امروز ما خیلی مذهبی نیستند و همچنین خیلی روح فلسفی ندارند. از طرف دیگر عقاید و افکار اروپایی هم، چیزی که مناسب حال آنها باشد به آنها یاد نمی‌دهد. نه مذهب استدلالی آگوست کنت و نه ایده‌آلیسم آلمان و نه مکانیسم انگلوساکسنها، تشنگی روح ایرانی را سیراب نمی‌کند.»^۱

۱. زیر آسمان ایران، موریس پرنو مستشرق فرانسوی.